

## Policymaking of the Islamic Republic of Iran in securing the security of the South Caucasus with an emphasis on the Republic of Azerbaijan

**Peyman Hosseini** PhD student, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. E-mail: [paymanhosseini1@gmail.com](mailto:paymanhosseini1@gmail.com)

**Abbas Moradi** *Corresponding Author*, Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. E-mail: [azmoradi@gmail.com](mailto:azmoradi@gmail.com)

**Malik Zulqader** Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. E-mail: [malek.zolqadr@yahoo.com](mailto:malek.zolqadr@yahoo.com)

### Article Info

#### Article Type:

Reserch Article

#### Keywords:

Policymaking,  
Security,  
South Caucasus,  
Republic of Azerbaijan,  
Islamic Republic of  
Iran.

### ABSTRACT

This study showed that the scientific, cultural, economic, social and geopolitical cooperation between the two countries has not been sufficiently prosperous and Iran's security policy is based on geopolitical and economic interests and considerations, based on extroverted balancing, active defense and interaction and effective and powerful presence and security strategy are connected. The Islamic Republic of Iran does not have sufficient environmental knowledge and analysis of the new conditions of the Republic of Azerbaijan, and due to the involvement of extra-regional countries, it does not have a suitable option for security policymaking, especially in the fields of energy (oil and gas) in the Republic of Azerbaijan, and the two countries are on opposite sides. They do not agree on each other's movements in international relations, and they do not have cooperation and military agreements with each other. In the field of removing extra-regional forces, especially Israel from the South Caucasus region and the Republic of Azerbaijan, due to the support of the Islamic Republic of Iran to Armenia, our country have not achieved significant success.

**Cite this Article:** Hoseini, P., Moradi, A., & Zolghadr, M. (2024). Policymaking of the Islamic Republic of Iran in securing the security of the South Caucasus with an emphasis on the Republic of Azerbaijan. *International Relations Researches*, 14 (3), 73-95. doi: 10.22034/irr.2024.434315.2491



© Author(s)

**Publisher:** Iranian Association of International Studies

**DOI:** 10.22034/irr.2024.434315.2491



## سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان

پیمان حسینی دانشجوی دکترا، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

رایانامه: paymanhoseini1@gmail.com

عباس مرادی نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

رایانامه: azmoradi@gmail.com

مالک ذوالقدر استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

رایانامه: malek.zolqadr@yahoo.com

در باره مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	هدف بررسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان می‌باشد. این پژوهش، تحلیلی کیفی و از نوع پدیدارشناسی می‌باشد. جامعه آماری، اساتید دانشگاه و متخصصین وزارت امور خارجه بودند. مشارکت کنندگان به روش هدفمند و اشباع داده، انتخاب و پاسخ سؤالات که شامل ماهیت سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان چگونه است؟ و تأمین امنیت قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان از طرف جمهوری اسلامی ایران تابع چه شرایطی است؟ با مصاحبه‌های اکتشافی به دست آمدند. این بررسی نشان داد که، همکاری‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک بین دو کشور از رونق کافی برخوردار نبوده و سیاست امنیتی ایران بر پایه منافع و ملاحظات ژئوپلیتیکی و اقتصادی، براساس موازنه سازی برون گرا، دفاع فعال و تعامل و حضور مؤثر و مقتدر و راهبرد امنیتی به هم پیوسته می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران شناخت و تحلیل محیطی کافی از شرایط جدید جمهوری آذربایجان نداشته و به دلیل دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای، گزینه‌ی مناسبی جهت سیاست‌گذاری امنیتی به خصوص در زمینه‌های انرژی (نفت و گاز) در جمهوری آذربایجان نداشته و دو کشور با سمت و سوی حرکت یکدیگر در روابط بین الملل موافق نبوده و همکاری و پیمان نظامی با هم ندارند. در زمینه دور کردن نیروهای فرامنطقه‌ای، بخصوص اسرائیل از منطقه قفقاز جنوبی و جمهوری آذربایجان، به دلیل حمایت جمهوری اسلامی ایران از ارمنستان، موفقیت چشم گیری برای کشورمان حاصل نشده است.
<b>کلیدواژه‌ها:</b> سیاست‌گذاری، امنیت، قفقاز جنوبی، جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران.	
<b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵	

**استناد به این مقاله:** حسینی، پیمان، مرادی، عباس، و ذوالقدر، مالک. (۱۴۰۳). سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز

جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۳)، ۷۳-۹۵. doi: 10.22124/WP.2024.24298.3176

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چهره ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز تغییر یافت و به یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان با خلاء قدرتی تبدیل شد و به صحنه کشمکش بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل گردید و این موجب گردید که امنیت همکاری جویانه در قفقاز با موانع و مشکلاتی چون: اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک و نظام‌های سیاسی مختلف در منطقه، اختلافات و رقابت کشورهای منطقه‌ای با بازیگران فرامنطقه‌ای؛ توزیع نابرابر قدرت در سطح منطقه و عدم توازن بین کشورهای مختلف؛ عدم اعتماد و اطمینان کشورها نسبت به یکدیگر؛ رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر سر منابع و انتقال انرژی؛ وابستگی امنیتی کشورهای منطقه به بازیگران فرامنطقه‌ای؛ بلوک‌های متعارض قدرت و اتحاد‌های نظامی متضاد روبرو گردد. از طرف دیگر منطقه قفقاز جنوبی از جایگاه و منزلت بالایی به دلایل، قرار گرفتن قفقاز در اولویت سیاست خارجی کشورمان به دلیل مجاورت با دریای خزر؛ داشتن اهمیت و ارزش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه قفقاز؛ دارا بودن مرز مشترک کشورمان با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان که هم در ساحل دریای خزر بوده و هم دارای منابع غنی نفت و گاز است؛ دارا بودن تاریخ و فرهنگ مشترک کشورمان با سه کشور قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان)؛ مسیر استراتژیک انتقال انرژی به اروپا برای کشورمان از طریق قفقاز جنوبی؛ دارا بودن اهداف ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برخوردار است، لذا جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به مسائل امنیتی این منطقه بی‌توجه باشد. انگیزه و هدف اصلی ایران در قفقاز، تأمین و تضمین منافع دفاعی و رفاهی، از طریق راهبرد موازنه‌سازی، میانجیگری، همکاری و همگرایی کارکردی - اقتصادی، و امنیت همکاری جویانه است و از این رو، منافع دفاعی جمهوری اسلامی ایران شامل حفظ تمامیت ارضی، وحدت و حاکمیت ملی، استقلال و موجودیت نظام جمهوری اسلامی می‌شود، حال این سؤال مطرح می‌شود که ماهیت سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز چگونه است؟

جمهوری آذربایجان اهمیت فزاینده‌ای در سیاست خارجی ایران دارا می‌باشد. به دلیل همسایگی و پیوندهای تاریخی و فرهنگی، این دو کشور نمی‌توانند نسبت به مسائل امنیتی یکدیگر بی‌توجه باشند. در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان عوامل همگرایی گوناگونی وجود دارد که جهت گیری دو کشور نسبت به هم را شکل می‌دهد. دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران، دارای ریشه‌های ارتباطی بسیار قوی می‌باشند و جمهوری اسلامی ایران دارای امکانات وسیعی برای توسعه بیش از پیش روابط بین دو کشور است و در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز روابط



دوستانه با جمهوری آذربایجان را در اولویت قرار داده و جمهوری اسلامی ایران برای این منظور از تمام امکانات خود استفاده می‌کند ولی از زمان استقلال جمهوری آذربایجان، روابط دو کشور در سطح مطلوبی قرار نداشته و روابط این دو کشور در سال‌های اخیر به سمت واگرایی حرکت می‌کند. عواملی مانند برخورداری از اشتراکات تاریخی، فرهنگی و وجود پتانسیل‌های موجود برای همکاری‌های اقتصادی به عنوان محرکی برای گسترش روابط دو طرف به حساب می‌آید. اما در عین حال این روابط با عوامل بازدارنده‌ای از قبیل: تداوم اختلافات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، روابط با رژیم اسرائیل و ... روبرو است. عوامل بسیاری چون: استراتژی توسعه روابط متقابل براساس حسن همجواری از طریق آگاهی و درک صحیح از وابستگی‌های متقابل ژئوپلیتیک، علایق ژئوپلیتیک، اهداف و منافع ملی مشترک و علایق سایر بازیگران مؤثر در روابط فی‌مابین، همچنین اعتمادسازی به سمت تقویت و تعمیق روابط و سیاست خارجی دو کشور براساس واقعیت‌های ژئوپلیتیک در ایجاد و تحکیم روابط بین دو کشور نقش دارند. سه نوع ماهیت و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان وجود دارد که عبارتند از: رویکرد ایدئولوژیک، که براساس این رویکرد، سیاست امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه به وسیله ایدئولوژی و گفتمان اسلامی هدایت می‌شود. در این ماهیت که مبتنی بر گفتمان ایدئولوژیک اسلامی است، هدف پیگیری و تأمین مصالح اسلامی در سیاست امنیتی جمهوری اسلامی در قفقاز بوده و منافع ایدئولوژیک و معطوف به نظم منطقه‌ای و جهانی در سیاست امنیتی ایران نسبت به منافع دفاعی و رفاهی اولویت می‌یابند. این امر به معنای تلاش و اقدام ایران برای بسط و گسترش انقلاب اسلامی و ارزشهای دینی، دفاع از مسلمانان و شیعیان، مبارزه با استکبار، استعمار، سلطه ستیزی، تغییر نظم و نظام منطقه‌ای و وحدت شیعیان است. رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی که براساس این نظریه، آن گونه که جان میرشایمر (۲۰۰۱) مفصل بندی می‌کند، در نظام بین‌الملل آنارشیک و خودیار، کشورها که با تهدید دائمی و واقعی مواجهند، ماهیتی تجدیدنظر طلب داشته و تهاجمی رفتار می‌کنند. بنابراین، قائلین به رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی به سیاست امنیتی ایران در قفقاز جنوبی بویژه بر روابط متشنج ایران و آذربایجان تأکید و تمرکز می‌کنند. چون ایران از فردای فروپاشی شوروی، نسبت به ۲۰ درصد از دریای خزر ادعای مالکیت داشته است که دارای ذخایر و منابع نفتی عظیمی می‌باشد، از این رو، ایران همواره قلمروی دریایی و هوایی آذربایجان را نقض کرده است. رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی تصور و تحلیل درستی از سیاست امنیتی ایران در قفقاز ارائه نمی‌دهد. زیرا، سیاست امنیتی ایران در قفقاز جنوبی به طور عام و نسبت به جمهوری آذربایجان به طور خاص ماهیتی کلاً دفاعی دارد. ایران



تلاش داشته است تا از تمامیت ارضی، وحدت و حاکمیت ملی و امنیت مرزهای شمالی خود محافظت نماید. مناقشهی ایران با آذربایجان بر سر حوزه نفتی البرز نیز بیش از آنکه حاکی از توسعه طلبی ایران باشد، بیانگر سیاست دفاع فعال آن از قلمروی سرزمینی خود است. رویکرد واقع گرایی تدافعی اصلی‌ترین روند و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان است، زیرا، جمهوری اسلامی در پی تعقیب و تأمین اهداف و منافع غیرامنیتی نمی‌باشد و سیاست امنیتی ایران براساس موازنه سازی برون گرا بوده و عملکرد ایران در زمینه حوزه‌ها و منابع نفتی در دریای خزر کاملاً تدافعی است و در قالب دفاع فعال و مؤثر می‌باشد و سیاست امنیتی ایران در قفقاز بر راهبرد امنیت به هم پیوسته مبتنی است زیرا امنیت ملی ایران به امنیت و ثبات در قفقاز وابسته است، به طوری که هرگونه ناامنی و بی ثباتی در منطقه مستقیماً بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد، چون نوعی وابستگی متقابل امنیتی بین ایران و منطقه قفقاز وجود دارد.

پژوهش حاضر در پی بررسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان بوده و ابتکار و نوآوری این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌های اجرا شده در این حوزه در این است که بررسی حاضر از دیدگاه متخصصین وزارت امور خارجه و فرهیختگان دانشگاهی انجام شده و نتایج مصاحبه‌های آن‌ها نشان دهنده نوع سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان می‌باشد، چرا که این افراد از اشراف بالا در زمینه مسائل سیاسی امنیتی بوده و این عامل نقطه قوت این پژوهش می‌باشد.

#### ۱. چارچوب تحلیلی و پیشینه پژوهش

امروزه نقش هر کشور در سیاست‌های جهانی، تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی است و جغرافی دانان سیاسی معتقدند که قدرت هر کشور به شدت از محیط جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. منطقه قفقاز جنوبی از جایگاه و منزلت بالایی در سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. این اهمیت و اولویت حاصل عوامل متعدد و مختلفی است، که به شرح زیر هستند: اول، قفقاز در همسایگی ایران قرار دارد و براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، همسایگان در اولویت سیاست خارجی کشور قرار دارند. بویژه، قفقاز در مجاورت دریای خزر قرار گرفته که حائز اهمیت استراتژیک برای جمهوری اسلامی است. دوم، منطقه قفقاز از لحاظ موقعیت جغرافیایی و منابع و ترانزیت انرژی، از اهمیت و ارزش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برخوردار است. برآیند و ترکیب این دو عامل توجه قدرتهای بزرگ و بازیگران بین المللی را به قفقاز جلب می‌کند. سوم، جمهوری اسلامی ایران دارای مرز مشترک با کشورهای منطقه قفقاز



جنوبی بوده و در بین این کشورها، جمهوری آذربایجان یکی از کشورهای ساحلی دریای خزر می‌باشد که دارای منابع غنی نفت و گاز است. چهارم، جمهوری اسلامی ایران تاریخ و فرهنگ مشترک با سه کشور قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) دارد که روزی بخشی از ایران سیاسی بوده‌اند و امروز جزئی از حوزه تمدنی آن به شمار می‌روند. پنجم، قفقاز جنوبی برای جمهوری اسلامی ایران یک مسیر استراتژیک انتقال انرژی به اروپا است. همچنین جمهوری اسلامی ایران خود را کوتاه‌ترین و با صرفه‌ترین راه انتقال منابع نفت و گاز حوزه خزر و آسیای مرکزی به دنیای خارج می‌داند که خطوط لوله انرژی می‌تواند از آن عبور کند. ششم، جمهوری اسلامی ایران و کشورهای قفقاز از اهداف ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برخوردارند که منافع مشترکی را پدید آورده است و همکاری آنان را ضروری می‌سازد. محققین مختلف در زمینه اهمیت منطقه قفقاز جنوبی و تأمین امنیت آن و مشکلات منطقه قفقاز و روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تحقیقات چندی انجام دادند که به شرح ذیل می‌باشند: قربانی و رئیسی نژاد (۱۴۰۲) نشان دادند با تقسیم جنگ اول و دوم قره باغ به سه دوره «محسوس نبودن برتری آذربایجان»، «محسوس بودن برتری آذربایجان» و «تثبیت برتری آذربایجان»، سه روند «اهمال»، «بلا تکلیفی» و «غافلگیری» در روند سیاست خارجی ایران قابل تبیین است. ایران با اهمال از توان و اراده‌ی جمهوری آذربایجان و ناتوانی در ایجاد توازن میان دو روایت «پیوندهای دیرینه‌ی مذهبی، فرهنگی و تاریخی و تکلیف حمایتی جمهوری اسلامی از شیعیان» و «بستر تجزیه‌طلبانه در استان‌های ترک‌نشین آذربایجان ایران» به اعلام بی‌طرفی و کنشگری لفظی بسنده کرد. ایران پس از تسلط جمهوری آذربایجان بر مناطق مورد مناقشه‌ی هم‌مرز با ایران، با درک دیر هنگام از اراده‌ی جمهوری آذربایجان، با بلا تکلیفی به کنشگری پرداخت و به دلیل مشخص نبودن جزئیات طرح ابتکاری و عدم رایزنی و فعالیت دیپلماتیک گسترده، با بند مربوط به ارتباط بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان در توافق‌نامه مسکو که دستاویزی برای طرح کریدور زنگه‌زور شد، غافلگیر شد. رشیدی (۱۴۰۲) نشان می‌دهد ایجاد کریدور زنگه‌زور در خاک ارمنستان، بر پایه‌ی برنامه‌های اعلام‌شده از سوی محور جمهوری آذربایجان- ترکیه، می‌تواند توازن منطقه‌ای قدرت را به ضرر جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد و پیشبرد این پروژه تهدیدی امنیتی علیه منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. جعفری نیا، کاظم پور و مددی (۱۴۰۲) نشان دادند دو کشور ترکیه و جمهوری آذربایجان به عنوان عناصر کلیدی و کشور روسیه به عنوان پیشران در معادلات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی ایفای نقش اساسی می‌کنند و ایران در این میان هیچ نقشی دارا نیست. اصولی اودلو (۱۴۰۲) نشان داد تحولات قره



باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، مؤلفه‌های بنیادین ساختار منطقه قفقاز جنوبی را دستخوش تحول اساسی قرار داده و تبیین روندهای جدید در منطقه از نظر سیاست‌گذاری مطلوب در جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. الماسی (۱۴۰۱) نشان داد جمهوری اسلامی در بحران قره باغ بدون جانبداری از طرفین درگیر سیاست‌های خود را در راستای کاهش تنش میان دو کشور جهت داده است. جواهری، نیلفروشان و نقی زاده (۱۴۰۱) نشان دادند جمهوری اسلامی ایران، روسیه و چین را بر آن داشته تا سیاست خارجی و نگاه دفاعی و امنیتی خود را در جهت همگرایی منطقه‌ای نزدیک ساخته و به فکر ایجاد الگویی جدید بر اساس تهدیدات مشترک و ارائه ایده تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به منظور ایجاد بازدارندگی و نیز تقابل با افراط‌گرایی موجود در منطقه در قالب گروه‌های تکفیری باشند. رجبی (۱۴۰۱) نشان داد جمهوری آذربایجان با استفاده از راهبرد موازنه تهدید در سطح داخلی و منطقه‌ای توانسته است الگوی رفتاری خود را در رویارویی با برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل تنظیم کند. سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در برابر ایران کنشی و در برابر اسرائیل واکنشی است. الهی‌نیا و محمدی (۱۴۰۱) نشان می‌دهند بحران قره‌باغ به سبب فضای تنش آمیز در نزدیکی مرزهای ایران شامل انواع تهدیدات بوده و از میان پنج بعد امنیت به لحاظ دخالت و نفوذ اسرائیل و گروه‌های تروریستی در این منطقه بعد امنیت نظامی برجسته‌تر از سایر ابعاد دیگر امنیت است. محبوبی، موسوی و عزیز موسوی (۱۴۰۰) نشان دادند جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود در منطقه از جمله اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی و تقویت دیپلماسی عمومی تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل کند. نجفی سیار و ابراهیمی (۱۴۰۰) نشان دادند برهم خوردن موازنه قدرت در قفقاز جنوبی و توافق‌نامه آتش‌بس ناشی از آن در ابعاد مختلف به شکل ایجابی و سلبی بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. کلاتری و کاویانی فر (۱۴۰۰) نشان دادند در قفقاز تهدیدهای امنیتی و اقتصادی / ژئواکونومیکی، اولویت بالاتری دارند. هاشمی، قربانی نژاد، یزدان پناه درو و نامی (۱۴۰۰) نشان دادند ایران باید برای کسب جایگاهی برتر از رقبای خود و تأمین امنیت و منافع ملی خود به دور از برخوردهای قهر آمیز روسیه، راهبردهایی مبتنی بر پیوند منافع خود با کشورهای قفقاز را مدنظر قرار دهد و به مرحله عملیاتی شدن برساند. کولایی و جوکار (۱۳۹۹) نشان دادند نگاه جمهوری اسلامی ایران به روابط با سه کشور گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان از زمان استقلال این کشورها همیشه ایجابی و با هدف بهره‌وری بوده است. با این حال، روابط اقتصادی با این کشورها با وجود ظرفیت‌ها و زمینه‌های فراوان همکاری، هیچگاه به نقطه مطلوب خود نرسیده است. حسین پور



(۱۳۹۹) نشان داد روابط دیپلماتیک و جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری آذربایجان با ایران براساس عملکرد سیاست خارجی کشورها در یک محیط منطقه‌ای و یا فرمانطقه‌ای، ضمن اینکه تحت تأثیر عوامل مختلفی به صورت عملیاتی در می‌آید، تأثیرات بزرگ و کوچکی را نیز با خود به همراه دارد. موسوی شهیدی و احمدی کروچ (۱۳۹۸) نشان دادند زمینه‌هایی نظیر رودخانه ارس، انتقال نفت آذربایجان به بازارهای جهانی، بحران قره‌باغ، روابط آذربایجان با آمریکا و رژیم صهیونیستی، اقدام‌های خصمانه و تحریک‌آمیز علیه امنیت ملی ایران منجر به تنش و رقابت دو کشور شده است. حسینی تقی آباد و علیزاده (۱۳۹۸) نشان دادند با توجه به پیچیدگی و اهمیت مناسبات قفقازی برای جمهوری اسلامی ایران، قفقاز جنوبی و به‌ویژه جمهوری آذربایجان از اولویت‌های کاربست دیپلماسی عمومی ایران و پیشبرد سیاست همسایگی است.

تیشه یار و بهرامی (۱۳۹۷) نشان دادند که کارآمدترین راه افزایش قدرت و حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز و جهان، به‌کارگرفتن سیاست خارجی عمل‌گرا است. راه نجات و کبیری (۱۳۹۷) نشان دادند در منطقه قفقاز جنوبی منافع اصلی ایران در چند مورد خلاصه می‌شود: الف) کاهش نفوذ قدرتهای خارج از منطقه (امریکا و رژیم اشغالگر قدس) و نیز روسیه؛ ب) استمرار خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی ممکن و ثبات قفقاز جنوبی؛ ج) به دست آوردن جای پای عظیم‌تر در توسعه اقتصادی و فرهنگی و د) روشن ساختن رژیم حقوقی دریای خزر. بزرگمهری و طباطبایی (۱۳۹۶) نشان دادند سیاست توسعه‌طلبانه ترکیه و سیاست احتیاطی و مدارای ایران برای ایفای نقش در معادلات این منطقه، شرایطی را دامن زد که ترکیه موفقیت بیشتری را در این عرصه کسب کرد. کولایی و علی زاده (۱۳۹۶) نشان دادند با توجه به ظرفیت‌های مناسب و قابل توجه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ایران، دیپلماسی علمی و دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای فعال در منطقه قفقاز جنوبی شکل نگرفته است. ابراهیمی و اصولی (۱۳۹۵) نشان دادند نفوذ روسیه، آمریکا همراه با ترکیه و ایران یک الگوی چند قطبی-رقابتی نفوذ قدرت‌های بزرگ را در منطقه شکل داده است.

همچنین به دلیل تشدید رقابت‌های نظامی که با نبود شناسایی متقابل چندین واحد و نیز رژیم‌های رسمی امنیتی ترکیب شده، صورتبندی تعارض تجدیدنظرطلب را برای منطقه به ارمغان آورده است. فلاحت پیشه، شربتی و مظفری (۱۳۹۴) نشان دادند سیاست‌های ترکیه در این منطقه در تقابل با منافع ایران و روسیه می‌باشد و سبب تحدید منافع منطقه‌ای ایران و روسیه شده است. وثوقی و رضایی (۱۳۹۴) نشان دادند روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر حسن همجواری بوده و از نظر



تجاری، سیاسی و امنیتی در سطحی مطلوبی قرار ندارد. جلیوند و قربانی (۱۳۹۳) نشان دادند اسرائیل به عنوان یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای بنا به الزامات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود و بر اساس دکترین بن‌گوریون و دکترین خاورمیانه جدید شیمون پرز، تمایلی جدی به حضور در این منطقه را از خود نشان داده است که قرار گرفتن منطقه قفقاز در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تعارضات شدید هویتی-ایدئولوژیکی این کشور با اسرائیل می‌باشد. عباسی و موسوی (۱۳۹۲) نشان دادند از زمان فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال جمهوری آذربایجان، روابط تهران-باکو به طور معمول در سطح مطلوبی قرار نداشته است و در حال حاضر هم قرار ندارد. دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹) نشان داد سیاست امنیتی ایران بر منافع اقتصادی و امنیتی مبتنی بر الزامات ژئوپلیتیک استوار است تا آرمانها و ارزش‌های ایدئولوژیک و ایران برای تأمین و تضمین این اهداف و منافع، استراتژی امنیتی چند بعدی و چند وجهی را اتخاذ و اعمال کرده است. مجتهدزاده، حسین پور پویان و کریمی پور (۱۳۸۷) نشان دادند که سیاست عدم سازش جمهوری آذربایجان و تا حدودی عدم استراتژی مدون و هدفمند از طرف جمهوری اسلامی ایران باعث شده است تا واقعیت‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی مثبت و پیوند دهنده، به حد کافی نتوانند روابط نزدیکی بین طرفین ایجاد کنند. شیخ علیثف (۲۰۲۳) با بررسی سیاست ایران در ارمنستان و آذربایجان نشان داد که با توجه به اینکه فضای جدید ژئوپلیتیک باعث افزایش نفوذ آذربایجان و ترکیه در منطقه به عنوان بخشی از همکاری آنها شده است، ایران از این وضعیت کاملاً آشفته است.

علاوه بر این، تقویت اتحاد استراتژیک بین ترکیه و آذربایجان و گسترش همکاری و یکپارچگی در جهان ترک به طور کلی مطرح می‌شود. در مجموع، اتحاد ترک‌ها دلیل اصلی ناتوانی ایران در درک واقعیت‌های ژئوپلیتیک کنونی در منطقه است. ایران قطعاً اتحاد ترک‌ها را یک تهدید می‌داند. از این رو به جای حمایت از آذربایجان، همواره از ارمنستان حمایت کرده است و در حال حاضر نیز چنین است. اگرچه ایران قطعاً حق حاکمیت خود را برای دنبال کردن سیاست خود و برقراری روابط نزدیک با ارمنستان محفوظ می‌دارد، اما با طرفداری، حمایت از این کشور و ایراد اتهامات سرکش، نگرش حسن همجواری طاهران در قبال آذربایجان را زیر سؤال می‌برد. قیزیل یورت (۲۰۲۳) فرمت و سالهای شکل گیری «دیپلماسی میدانی جهادی» ایران در آذربایجان را بررسی نمود و نشان داد که اولاً، پس از میانجیگری ناموفق دیپلماتیک بین ایروان و باکو در می ۱۹۹۲، ایران تلاش‌های نظامی و ایدئولوژیک خود را در آذربایجان تشدید کرد. ثانیاً، در جریان کودتای ژوئن ۱۹۹۳، ایران از سرهنگ حسینوف، رهبر کودتای طرفدار روسیه حمایت کرد و سعی کرد او را متقاعد کند تا با علی اف کمونیست سابق علیه



رئیس جمهور ملی گرا الجی بی همکاری کند. بعدها علی اف این همکاری اولیه را یک چالش جدی ایدئولوژیک و نظامی تلقی کرد. در نهایت، تهدید محسوس و ارتباط سپاه قدس ایران با رهبران قیام‌های نظامی بعدی، بر روابط دوجانبه ایران و آذربایجان تأثیر منفی گذاشت. عزیزی و ایساچنکو (۲۰۲۳) با بررسی رقابت ایران و ترکیه در ژئوپلیتیک در حال تغییر قفقاز جنوبی نشان دادند که قفقاز جنوبی از دیرباز صحنه رقابت و همکاری ترکیه و ایران بوده است. در حالی که این دو قدرت منطقه‌ای از لحاظ تاریخی منافع خود را متعادل کرده‌اند، نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد رقابت اولویت دارد. حمایت ترلززل ناپذیر ترکیه از آذربایجان در طول جنگ ۲۰۲۰ قره باغ، رد پای آنکارا را در منطقه تثبیت کرد. بازپس گیری بقیه قره باغ توسط آذربایجان در آخرین حملات نظامی در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳، توافق صلح بین آذربایجان و ارمنستان را محتمل تر می‌کند و به منافع ترکیه کمک می‌کند و به طور بالقوه نقش روسیه را در منطقه محدود می‌کند. با این حال، چشم انداز پویایی «روسیه کمتر، ترکیه بیشتر» نگرانی تهران را نسبت به آنکارا افزایش می‌دهد. به ویژه برای ایران نگران کننده بند آتش بس با میانجیگری مسکو در نوامبر ۲۰۲۰ است که بازسازی جاده و راه آهن را که ترکیه را از طریق منطقه نخجوان آذربایجان و استان سیونیک در جنوب شرقی ارمنستان به سرزمین اصلی متصل می‌کند، الزامی می‌کند. این خطر به حاشیه راندن ایران است. علاوه بر این، تهران به شدت شاهد تعمیق روابط بین متحد نزدیک ترکیه، آذربایجان، و دشمن اصلی ایران، اسرائیل است. زازستاوت (۲۰۱۲) با بررسی ایران، ترکیه و آذربایجان: به سمت یک بحران منطقه‌ای می‌رویم؟ نشان داد که روابط بین ترکیه و آذربایجان باعث برهم خوردن معادلات سیاسی ایران شده و ایران برای جبران این برهم خوردگی به سمت روابط با ارمنستان پیش رفته و این دوگانگی روابط باعث بروز مناقشه در منطقه و برهم خوردن روابط بین کشورها به خصوص ایران با آذربایجان می‌گردد.

## ۲. روش پژوهش

طرح این مقاله، بر مبنای رویکرد کیفی و میدانی می‌باشد و اطلاعات پژوهش با مصاحبه‌های اکتشافی به دست آمدند. پژوهش حاضر دارای حالت علی - معلولی می‌باشد و سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران متغیر مستقل و تأمین امنیت قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان متغیر وابسته پژوهش می‌باشد. جامعه آماری را اساتید دانشگاه و متخصصین وزارت امور خارجه تشکیل می‌دهند. حجم مشارکت کنندگان به روش هدفمند و با اشباع داده و پاسخ سؤالات با مصاحبه‌های اکتشافی به دست آمدند. به منظور گردآوری اطلاعات، از مصاحبه‌ی نیمه ساختارمند به روش پدیدارشناسانه و با روش



اشباع داده؛ تجربیات و نظریات اساتید دانشگاه‌ها و متخصصین وزارت امور خارجه کشور جمع آوری شد. لازم به ذکر است که در اجرای پژوهش تمام ملاحظات اخلاقی و محرمانه بودن مصاحبه‌ها مدنظر محققین بود و به هیچ عنوان اجبار یا اصراری برای شرکت در مصاحبه و پاسخ‌گویی به سؤالات اعمال نشد و جهت حفظ اطلاعات افراد مورد مصاحبه و رعایت نکات محرمانه، از آنها خواسته شد بدون اسم به سؤالات پاسخ دهند. سؤالات پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

ماهیت سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان چگونه است؟

آیا ماهیت سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک نهفته است؟

ماهیت و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان چیست؟ جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه شناخت و تحلیل محیطی کافی از جمهوری آذربایجان را دارد؟ آیا جمهوری اسلامی ایران ابزار و گزینه‌های لازم جهت سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان را دارد؟

تأمین امنیت قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان از طرف جمهوری اسلامی ایران تابع چه شرایطی است؟

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک اجرا می‌گردد؟

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه‌های انرژی (نفت و گاز) اجرا می‌گردد؟

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه‌های مرزی و نظامی اجرا می‌گردد؟

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق دور کردن نیروهای بیگانه بخصوص اسرائیل از منطقه اجرا می‌گردد؟

آنالیز نتایج با روش تحلیل مصاحبه‌ها و با استفاده از روش پدیدارشناسی صورت گرفت. هدف پژوهش پدیدارشناسی، توضیح صریح و شناسایی پدیده‌ها است آنگونه که در موقعیتی خاص توسط افراد ادراک می‌شوند. براساس دسته‌بندی پارادایم‌های «بوریل و مورگان» پدیدارشناسی در دسته «پارادایم‌های



تفسیری» قرار می‌گیرد. یعنی یک روش علمی که با رویکردی ذهنی به جمع‌بندی مباحث اجتماعی می‌پردازد.

### ۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با توجه به این سوال اصلی مقاله که آیا ماهیت سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک نهفته است؟ نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که همکاری‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک ایران و جمهوری آذربایجان با وجود ظرفیت‌های مناسب و نیاز هر دو کشور به گسترش این نوع همکاری‌ها متأسفانه از رونق کافی برخوردار نیست و توافقات بسیار اندک در این زمینه حاصل شدند ولی متأسفانه به مرحله عمل و اجرا نرسیدند. ۲۳ دانشگاه جمهوری آذربایجان و ۱۱ دانشگاه و مؤسسه آموزشی عالی جمهوری اسلامی ایران از جمله دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه الزهراء، دانشگاه تبریز، دانشگاه فنی سهند، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشگاه آزاد مرند، عضو اتحادیه دانشگاه‌های قفقاز هستند. این اتحادیه با ابتکار کشورهای ترکیه و گرجستان با هدف اولیه بهره‌برداری از میراث مشترک کشورهای همسایه در جغرافیای قفقاز تأسیس شد تا آینده این منطقه در پرتوی کارهای آکادمیک صورت گرفته در حوزه‌های زبان، فرهنگ، تاریخ، هنر، اقتصاد، و آموزش روشن شود. تاکنون هیچ بهره‌برداری از «دیپلماسی‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک» در جهت تسهیل روابط سیاسی کشورمان با سایر کشورها بخصوص آذربایجان، به طور جدی در دستور کار سیاست خارجی کشور قرار نگرفته است و به ظرفیتهای علمی و فنی کشور در جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی و تحقق منافع ملی در رابطه با جمهوری آذربایجان هم توجه مناسب نشده است.

همکاری‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک ایران با جمهوری آذربایجان در مقایسه با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و دستگاه‌های مسئول نتوانسته‌اند دیپلماسی علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک در خور یک قدرت منطقه‌ای را در قفقاز جنوبی و به ویژه در رابطه با جمهوری آذربایجان سازمان دهند. در حالی که همکاری‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک در سطوح مختلف می‌توانند تنشهای سیاسی را هم تخفیف دهند. اسرائیل در رابطه با کشورهای عربی به این موضوع توجه ویژه داشته است و در جمهوری آذربایجان نیز یکی از مهم‌ترین کانال‌های حضور و نفوذ اسرائیل، همکاری‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک است. روابط ایران و جمهوری آذربایجان هرگز از تأثیرپذیری از کشور ثالث (آمریکا،



روسیه، اسرائیل، اتحادیه اروپا و ترکیه) مصون نبوده است. در ایران تاکنون سیاست منسجمی در جهت گسترش همکاریهای علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک با کشورهای قفقاز جنوبی شکل نگرفته است و این در حالی است که توانمندیهای کشورمان در بسیاری از زمینههای علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک در سطحی بسیار بالاتر از همسایه شمالی قرار دارد و برای جمهوری آذربایجان نیز تأمین نیازهای علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیکش از ایران مقرون به صرفه تر خواهد بود. استانهای هم جوار و هم زبان این جمهوری که در حال حاضر توافقهایی نیز با طرف آذربایجانی، روی کاغذ دارند می توانند نقش مؤثری در این زمینهها ایفا کنند و همکاری و هماهنگی وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد با دستگاه سیاست خارجی در این راستا ضروری است (محبوبی، موسوی و عزیز موسوی، ۱۴۰۰؛ کولایی و جوکار، ۱۳۹۹؛ راه نجات و کبیری، ۱۳۹۷؛ کولایی و علی زاده، ۱۳۹۶؛ عباسی و موسوی، ۱۳۹۲؛ مجتهدزاده، حسین پور پویان و کریمی پور، ۱۳۸۷).

ماهیت و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در در منطقه قفقاز جنوبی و جمهوری آذربایجان چیست؟

نتایج بررسی مصاحبههای انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که سه نوع ماهیت ایدئولوژیک، واقع گرایی تهاجمی و واقع گرایی تدافعی نسبت به ماهیت و رفتار سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز، قابل تصور و شناسایی است. رویکرد ایدئولوژیک، که براساس این رویکرد، سیاست امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه به وسیله ایدئولوژی و گفتمان اسلامی هدایت می شود. رفتار و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قفقاز به خوبی نشان می دهد که هیچ گاه گفتمان ایدئولوژیک بر سیاست امنیتی آن در این منطقه حاکم نبوده یا حداقل به منزلت هژمونیک نرسیده است. زیرا، برخلاف انتظارات و الزامات این گفتمان، ایران به اتحاد استراتژیک با ارمنستان و روسیه مبادرت ورزیده، از آذربایجان و جدایی طلبان چنین حمایت نکرده و در صدد بسط و گسترش ارزشهای اسلامی و صدور انقلاب اسلامی در قفقاز برنیامده است. در نتیجه، سیاست امنیتی ایران در منطقه باید دارای انگیزهها و اهدافی غیرایدئولوژیک باشد. رویکرد واقع گرایی، که براساس این رویکرد، سیاست امنیتی ایران در قفقاز ماهیتاً تهاجمی است، یعنی سیاست امنیتی ایران ماهیتی تجاوزگر، توسعه طلب، فرصت طلب و مخرب دارد. رویکرد واقع گرایی تدافعی سومین رویکرد نظری به ماهیت سیاست امنیتی ایران در قفقاز و اصلی ترین روند و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان است،



زیرا، اولاً: سیاست امنیتی ایران در قفقاز عاری از منافع و ملاحظات ایدئولوژیک است و جمهوری اسلامی در قفقاز به صورت یک کشور امنیت جو عمل می‌کند و در پی تعقیب و تأمین اهداف و منافع غیرامنیتی نمی‌باشد. دوماً: سیاست امنیتی ایران براساس موازنه سازی برون گرا تلاش کرده و می‌کند تا در چارچوب اتحاد و ائتلاف سازی در برابر قدرت‌ها و کشورهای تهدیدکننده توازن ایجاد نموده و از تهدیدات و خطرات آنها جلوگیری نماید. سوماً: با توجه به اینکه ایران، منطقه قفقاز جنوبی و حوزه دریای خزر را محیط امنیتی فوری و بی واسطه خود تلقی می‌کند، سیاست امنیتی مبتنی بر دفاع فعال و تعامل و حضور مؤثر و مقتدر را اتخاذ و اعمال می‌کند. از این رو، عملکرد ایران در مقابل آذربایجان در زمینه حوزه‌ها و منابع نفتی در دریای خزر کاملاً تدافعی است و در قالب دفاع فعال و مؤثر تعریف می‌گردد نه توسعه طلبی و پیشینه سازی قدرت، چون ایران در منطقه قفقاز در شرایط معمای امنیتی بسر می‌برد که نمی‌توانند نسبت به امنیت ملی خود بی تفاوت باشد. چهارماً، سیاست امنیتی ایران در قفقاز بر راهبرد امنیت به هم پیوسته مبتنی است. امنیت به هم پیوسته بدان معناست که امنیت ملی ایران به امنیت و ثبات در قفقاز وابسته است، به طوری که هرگونه ناامنی و بی ثباتی در منطقه مستقیماً بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد، چون نوعی وابستگی متقابل امنیتی بین ایران و منطقه قفقاز وجود دارد (قربانی و رئیسی نژاد، ۱۴۰۲؛ الماسی، ۱۴۰۱؛ جواهری، نیلفروشان و نقی زاده، ۱۴۰۱؛ نجفی سیار و ابراهیمی، ۱۴۰۰؛ کلانتری و کاویانی فر، ۱۴۰۰؛ هاشمی، قربانی نژاد، یزدان پناه درو و نامی، ۱۴۰۰؛ حسین پور، ۱۳۹۹؛ حسینی تقی آباد و علیزاده، ۱۳۹۸؛ وثوقی و رضایی، ۱۳۹۴؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹).

جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه شناخت و تحلیل محیطی کافی از جمهوری آذربایجان را دارد؟ نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که در حال حاضر و در نظام فعلی جهانی، تأثیرگذاری کشورها در عرصه منطقه‌ای و بین المللی است که اهمیت آنها را نشان می‌دهد. جمهوری آذربایجان نیز علی رغم اینکه از لحاظ جغرافیایی، سرزمینی و جمعیتی کوچک است، اما به دلیل تأثیرگذاری آن در حال بین المللی شدن است. ایران نیز باید این واقعیت را درک کند و براساس آن سیاستگذاری کند، در غیر این صورت به ضرر منافع ملی گام برداشته شده است. علاوه بر آن، همان طوری که آذربایجانی‌ها بشدت اخبار مربوط به موضع گیریها و مواضع ایران را پیگیری می‌کنند و به تغییر و تحولاتی که در ایران به وقوع می‌پیوندد، بسیار حساس می‌باشند، جمهوری اسلامی ایران نیز باید چنین حساسیت‌هایی را در قبال جمهوری آذربایجان داشته باشد و تحولات آن را به عنوان یک کشور مستقل و تأثیرگذار بر منافع و امنیت ملی زیر نظر بگیرد، بنابراین، با توجه به مطالب بیان شده،



آشکار می‌شود که کشور جمهوری آذربایجان یک کشور معمولی و همسایه عادی برای کشور جمهوری اسلامی محسوب نمی‌شود. پس تصمیم گیران، سیاست گذاران و سیاست مدران حکومتی باید بر تأثیرات امنیتی و ژئوپلیتیک از طرف همسایه شمالی خود بر فضای جغرافیایی - سیاسی کشور واقف باشند و سیاست‌ها و استراتژی‌های خود را بر اساس شناخت و آگاهی از مسائل موجود بین دو کشور تنظیم کنند، و این نشان دهنده این واقعیت است که متاسفانه جمهوری اسلامی ایران هیچ شناخت و تحلیل محیطی مناسب و کافی از جمهوری آذربایجان را ندارد و همیشه به این کشور به چشم تکه‌ای از خود که در جنگ با روسیه تزاری از دست داده است می‌نگرد و این باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران درقبال کشور ژئوپلیتیک و مهم جمهوری آذربایجان، سیاست درست و اصولی و مناسبی نداشته باشد. عدم استراتژی مدون و مشخص از طرف جمهوری اسلامی ایران و سیاست عدم سازش جمهوری آذربایجان باعث شده است تا این کشور منافع ملی خود را در ماورای حوزه جغرافیایی مشترک دو همسایه دنبال کند و تا حدود زیادی واقعیت‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی موجود بین دو کشور را نادیده بگیرد. این موضعگیری آذربایجان، سیاست‌گذاران و تصمیم گیران ایران را در هاله‌ای از سردرگمی در تدوین طرح‌ها و استراتژی‌های مرتبط با منافع ملی دو کشور قرار داده است. این وضعیت حاکم بر روابط بین دو کشور باعث شده است تا عامل همسایگی بیش از آنچه باعث نزدیکی دو کشور براساس منافع ملی مشترک شود، دو کشور را در موضع برخورد و مقابل قرار دهد (رشیدی، ۱۴۰۲؛ اصولی اودلو، ۱۴۰۲؛ الهی نیا و محمدی، ۱۴۰۱؛ موسوی شهیدی و احمدی کروچ، ۱۳۹۸؛ تیشه یار و بهرامی، ۱۳۹۷؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹).

آیا جمهوری اسلامی ایران ابزار و گزینه‌های لازم جهت سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان را دارد؟

نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که متاسفانه عدم وجود استراتژی مدون و هدفمند از طرف جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارتباط صحیح و روراست با جمهوری آذربایجان و از طرف دیگر سیاست عدم سازش جمهوری آذربایجان با استراتژی‌های ناصحیح جمهوری اسلامی در منطقه قفقاز و عدم حمایت کشور شیعی ایران از همسایه شیعی خود یعنی آذربایجان، باعث شده است تا واقعیت‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی مثبت و پیوند دهنده، نظیر همسایگی و مذهب، تجانس جمعیتی، منافع مشترک در منطقه، وابستگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک و اشتراکات فرهنگی و تاریخی و ... به حد کافی نتواند روابط نزدیکی بین طرفین بوجود آورد. استراتژی سیاست



خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان تا حدودی مبتنی بر استراتژی ژئوپلیتیک و در راستای تأمین اهداف و منافع ملی و تمامیت ارضی بوده، است اما در تعامل با جمهوری آذربایجان برعکس بوده است و علت این مسأله را در عدم سازش جمهوری آذربایجان در سیاست خارجی خود در تعامل با ایران، و نبود استراتژی مسلط و کارآمد از طرف ایران می‌توان ذکر کرد. از طرف دیگر هر چند از آغازین استقلال جمهوری آذربایجان در روابط و سیاست خارجی دو کشور فراز و نشیب بسیاری دیده می‌شود، اما دیدگاه کلی حاکم بر روابط دو کشور از اول تاکنون تغییری نکرده است. این دیدگاه حاکم در سیاست خارجی ایران در مقابل جمهوری آذربایجان مبتنی بر تهدید تمامیت ارضی و امنیت ملی از طرف همسایه شمالی خود بوده است و دیدگاه کلی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری آذربایجان نیز، جستجو و تلاش برای مکمل استراتژیک خود در ماورای منطقه به علت احساس تهدید از روسیه، ارمنستان و ایران بوده است و این راهبرد و استراتژی را راه حلی در جبران ضعف قدرت، وابستگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک و تنگنای ژئوپلیتیک خود، همواره دنبال کرده است بنابراین استراتژی سیاست خارجی دو کشور تحت تأثیر نگرش فوق در قبال یکدیگر از ثبات برخوردار بوده است و متأسفانه با توجه به وجود بازیگران فرامنطقه‌ای و نادرست بودن سیاستهای ایران در قبال آذربایجان، منجر به این نتیجه شده است که جمهوری اسلامی ایران هیچ گزینه‌ی مناسب و لازمی جهت سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان نداشته باشد (قربانی و رئیسی نژاد، ۱۴۰۲؛ جعفری نیا، کاظم پور و مددی، ۱۴۰۲؛ محبوبی، موسوی و عزیز موسوی، ۱۴۰۰؛ کلانتری و کاویانی فر، ۱۴۰۰؛ هاشمی، قربانی نژاد، یزدان پناه درو و نامی، ۱۴۰۰؛ کولایی و جوکار، ۱۳۹۹؛ موسوی شهیدی و احمدی کروچ، ۱۳۹۸؛ تیشه یار و بهرامی، ۱۳۹۷).

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک اجرا می‌گردد؟

نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که جمهوری آذربایجان هم مرز (۷۵۹ کیلومتر) و در مجاورت با استانهای اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی که تورک زبان هستند، قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران در دوره جدید، به دنبال روابط دوستانه اما بدون محدودیت با آذربایجان است. سیاست تهران در منطقه بر اساس چهار عنصر متفاوت تعیین می‌شود: تمایل به گسترش روابط با آذربایجان بدون مقابله مستقیم با ترکیه یا روسیه، تمایل به حفظ نقش خود در ارتباط با صادرات منابع طبیعی، نگرانی نسبت به نفوذ آمریکا و اسرائیل در باکو و حساسیت از



تحركات ضد ایرانی و پان ترکیستی آذربایجان در مناطق آذری زبان در ایران. به طور کلی عمل گرایي تهران و تأکید آن بر ثبات در قفقاز و آذربایجان، به جهت ظرفیت ترانزیتی این منطقه، رویکرد و هدف اصلی تهران در تعامل با همسایه شمالی خود است. پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل های جغرافیایی ایران و تمرکز بر متحد گزینی با توجه به نیازهای کشورها به منابع طبیعی ایران مورد نظر می باشد. وابسته سازی کشورهای محصور در خشکی قفقاز که نیازمند موقعیت گذرگاهی ایرانی برای خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی هستند در مدت کوتاهی اهرم فشار قوی به دست بیاورد که باعث ثقل قدرت در ایران می گردد. از طرفی کشورهای در حال توسعه قفقاز نیازمند منابع معدنی و فسیلی ایران هستند که این امر می تواند بستر مناسبی برای جذب سرمایه های خارجی و محرکی برای رونق اقتصاد داخلی ایران می شود. جهت بهبود سیاست منطقه گرایي ایران در قفقاز باید موارد زیر مدنظر قرار گیرند: ایجاد رویکرد جدید و منعطف در سیاست خارجی، پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیلهای جغرافیایی ایران، قلمرو سازی جدید با توجه به ماهیت مناطق جغرافیایی، بازنگری در نوع عملکردها در قلمرو سازی فرهنگی مذهبی سیاسی، تمرکز بر متحد گزینی با توجه به نیازهای کشورها به منابع طبیعی ایران، راهبرد یکپارچگی افقی رو به جلو جهت اعمال کنترل و نفوذ در فرآیند مشارکت بین المللی، ایجاد قراردادهای سرمایه گذاری بین المللی در امر ساختارهای مادر در صنایع و بالا بردن سطح مشارکت اقتصادی فرهنگی در سطوح مختلف فرو ملی، ملی و فراملی (محبوبی، موسوی و عزیز موسوی، ۱۴۰۰؛ کولایی و جوکار، ۱۳۹۹؛ راه نجات و کبیری، ۱۳۹۷؛ کولایی و علی زاده، ۱۳۹۶؛ عباسی و موسوی، ۱۳۹۲؛ مجتهدزاده، حسین پور پویان و کریمی پور، ۱۳۸۷).

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه های انرژی (نفت و گاز) اجرا می گردد؟

نتایج بررسی مصاحبه های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که جمهوری آذربایجان، یکی از قدیمی ترین مناطقی می باشد که دارای منابع نفت در جهان است. بیش از ۱۰۰ سال است که نفت این جمهوری بطور مستمر مورد استخراج و بهره برداری قرار می گیرد. در دو سوم مساحت جمهوری آذربایجان منابع عظیمی از نفت و گاز وجود دارد. حوزه های بزرگ نفتی جمهوری آذربایجان در مناطق فراساحلی دریای خزر واقع شده اند. از نظر ژئوپلیتیکی نفت جمهوری آذربایجان همیشه دارای اهمیت بوده است. موضوع مسیرهای انتقال نفت جمهوری آذربایجان و در کنار آن نفت قزاقستان و گاز طبیعی ترکمنستان به بازارهای جهانی در حال حاضر غلبه ماهیت سیاسی بر ماهیت اقتصادی آن، از مهمترین



مباحث منطقه‌ای است و حل این مسئله را بیش از پیش دشوارتر می‌کند. در ابتدا برای انتقال نفت جمهوری آذربایجان چندین مطرح شد و تنها در پنج مورد زیر مذاکرات به طور رسمی برگزار گردید: خط لوله شمالی: باکو-نوروسیسک؛ خط لوله غربی: باکو - سوپسا؛ خط لوله جنوبی: باکو-ایران؛ خط لوله شرقی: خطی که از طریق افغانستان و پاکستان می‌گذرد؛ خط لوله جنوب غربی: باکو- جیحان. خطوط لوله باکو - ایران و باکو - پاکستان از ابتدا با واکنش گسترده‌ای روبرو شدند و این مسیرها با مخالفت امریکا روبرو شد. در نهایت، تعداد مسیرهای پیشنهادی به سه مسیر باکو-نوروسیسک، باکو- سوپسا و باکو-جیحان کاهش یافت. وجود منابع نفت و گاز در جمهوری آذربایجان فی نفسه تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود ولی اینکه نفت توسط چه کشورهایی و از چه مسیری ترانزیت می‌شود تأثیرات متفاوتی را بر امنیت ملی ایران دارد. نفت این کشور و حوزه دریای خزر توسط کشورهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا استحصال و از مسیر باکو - تفلیس - جیحان منتقل می‌شود، در واقع ترانزیت انرژی جمهوری آذربایجان و حوزه دریای خزر از مسیری غیر از ایران باعث تقویت رقبای منطقه و فرامنطقه‌ای شده است. کشورهای غربی و جمهوری آذربایجان همواره بر مسیر باکو به سمت دریای سیاه یا ترکیه تأکید می‌کردند و در پایان جمهوری آذربایجان با انعقاد قراردادهای بزرگ استخراج نفت کشور خود با شرکتهای غربی توانست این پروژه را با حمایت آمریکا به مرحله بهره برداری برساند که آغاز به کار خط لوله نفت باکو - جیحان به معنای تغییر در جغرافیای انرژی منطقه بود و با این تفاسیر ایران در زمینه‌های انرژی (نفت و گاز) جمهوری آذربایجان هیچ سیاستگذاری امنیتی ندارد (قربانی و رئیسی نژاد، ۱۴۰۲؛ رشیدی، ۱۴۰۲؛ محبوبی، موسوی و عزیز موسوی، ۱۴۰۰؛ کلاتری و کاویانی فر، ۱۴۰۰؛ هاشمی، قربانی نژاد، یزدان پناه درو و نامی، ۱۴۰۰؛ کولایی و جوکار، ۱۳۹۹؛ موسوی شهیدی و احمدی کروچ، ۱۳۹۸؛ ابراهیمی و اصولی، ۱۳۹۵؛ وثوقی و رضایی، ۱۳۹۴؛ مجتهدزاده، حسین پور پویان و کریمی پور، ۱۳۸۷).

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه‌های مرزی و نظامی اجرا می‌گردد؟

نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که جمهوری آذربایجان امنیت خود را در خروج از نفوذ روسیه و در محور پیوستن به غرب و ساختارهای یورو آتلانتیکی (اروپایی - آمریکایی) به ویژه ناتو جستجو می‌کند. در نقطه مقابل ایران در محور پیوستگی منطقه‌ای و دوری از محور آمریکا حرکت می‌کند. بنابراین در این زمینه جمهوری آذربایجان با سمت و سوی حرکت



ایران موافق نیست. گرایش غربی جمهوری آذربایجان، این کشور را به مخالفت با گذر خطوط لوله انتقال نفت از طریق ایران و روی آوردن به غرب و گزینش خط لوله باکو - جیحان کرده است. با توجه به اینکه بین جمهوری آذربایجان و ترکیه بر مبنای پیمان شوشا قرارداد نظامی متقابل امضا شده است و از طرف دیگر اسرائیل به عنوان یکی از متحدان آذربایجان مطرح است و همچنین پاکستان و تمامی کشورهای تورک زبان در کنار آذربایجان هستند، لذا با این تفاسیر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه‌های مرزی و نظامی هیچ گونه سیاستگذاری امنیتی نداشته و تمامی اقدامات جمهوری اسلامی ایران در داخل مرزهای قانونی خود بوده و از طرف دیگر دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران در راستای برگزاری مانورها و رزمایشهای نظامی با یکدیگر به تازگی قراردادهای نظامی را امضا نمودند ولی به مرحله اجرایی درنیامده است و این در حالی است که دو کشور ترکیه و آذربایجان در طول سال چندین رزمایش و مانور نظامی برگزار می‌کنند (جعفری نیا، کاظم پور و مددی، ۱۴۰۲؛ رشیدی، ۱۴۰۲؛ اصولی اودلو، ۱۴۰۲؛ جواهری، نیلفروشان و نقی زاده، ۱۴۰۱؛ بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶؛ ابراهیمی و اصولی، ۱۳۹۵؛ فلاحت پیشه، شربتبی و مظفری، ۱۳۹۴).

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق دور کردن نیروهای بیگانه بخصوص اسرائیل از منطقه اجرا می‌گردد؟

نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که نخستین مبنای نزدیکی جمهوری آذربایجان و اسرائیل موقعیت ژئوپلیتیکی، مبنای دوم همکاری نظامی و اطلاعاتی، به ویژه با توجه به مناقشه قره باغ و سرانجام فرصت اقتصادی دوجانبه است. در سطح ژئوپلیتیک، معرفی ایران به عنوان دشمن مشترک، مهم‌ترین عنصر متحد کننده باکو و تل آویو است. سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در برابر جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، نتیجه عوامل متعددی همچون دشمنی سیاسی حاکمان، بی اعتمادی تاریخی، رقابت و نیازهای راهبردی است که همزمان با هم در حرکت هستند و در مواردی تداخل پیرشرانی دارند. ایجاد رابطه با رقیبان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران و ارائه فرصتهای جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی به آنها برای تهدید منافع ایران و تأکید بر جغرافیای قومی و خطر تجزیه طلبی در بخشهای ترک نشین ایران از این اقدامها است که رابطه با اسرائیل را در همین چارچوب قابل ارزیابی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران همیشه شرط حل مشکلات منطقه را خروج نیروهای فرمانطقه‌ای از قفقاز جنوبی بیان نموده است، اما متأسفانه در جنگ اول و دوم و جنگ یک روزه قره باغ (فتح خان کندی و ...)، جمهوری اسلامی ایران با حمایت از ارمنستان، ارسال سلاح به این



کشور و خالی نمودن پشت آذربایجان و حتی ورود غیرمجاز نیروهای نظامی ایران به خاک آذربایجان و ایجاد تعلق در عملیات نظامی آذربایجان، منجر به ایجاد بدبینی بین دو کشور شده و آذربایجان برای اینکه بتواند توازن قوا را حفظ نماید از کمکهای نظامی ترکیه، اسرائیل و کشورهای ترک استفاده نموده و از این منظر جمهوری اسلامی ایران با ورود یک طرفانه به جنگ و بر علیه آذربایجان باعث شد نیروهای فرامنطقه ای در این منطقه حساس حضوری همیشگی داشته باشند و تمامی این موارد به مشکلات منطقه اضافه نموده و باعث ایجاد تنش و مشکلات در قفقاز جنوبی شوند و این مشکلات لاینحل بمانند و در آینده وضعیت منطقه با حضور عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعیین گردد، لذا همه تلاش ایران در زمینه سیاستگذاری امنیتی‌اش در جمهوری آذربایجان از طریق دور کردن نیروهای بیگانه بخصوص اسرائیل از منطقه است که تا این لحظه در این زمینه هیچ موفقیتی کسب نموده است (رجبی، ۱۴۰۱؛ الهی نیا و محمدی، ۱۴۰۱؛ حسین پور، ۱۳۹۹؛ موسوی شهیدی و احمدی کروچ، ۱۳۹۸؛ راه نجات و کبیری، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی و اصولی، ۱۳۹۵؛ جلیوند و قربانی، ۱۳۹۳؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹).

### نتیجه گیری

ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای فعال و با نفوذ که با دو کشور از سه کشور قفقاز دارای مرز مشترک است، اهمیت و اولویت خاصی برای منطقه قفقاز در سیاست امنیتی خود قائل است. سیاست امنیتی ایران نسبت به قفقاز واقع بینانه و عمل گرایانه بوده است که به وسیله منافع و ملاحظات ژئوپلیتیک هدایت می‌شود تا اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک. جمهوری اسلامی تلاش کرده است تا امنیت مرزی، تمامیت ارضی، وحدت و حاکمیت ملی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی خود را از طریق ایجاد یک نظام و ساختار امنیتی همکاری جویانه در منطقه تأمین و تضمین نماید. از منظر ایران، منطقه قفقاز علیرغم اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی‌اش با تهدیدات و چالش‌های عمده امنیتی مواجه است. از این رو، به نظر ایران، تأمین امنیت و حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای نیازمند همکاری و کنش مشترک همه کشورهای منطقه بدون دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای می‌باشد. اما از منظر واقع بینانه، شکل‌گیری و استقرار نظم امنیتی همکاری جویانه در قفقاز با موانع و محدودیت‌های جدی و اساسی روبروست. اول، تفاوت‌های بنیادی سیاسی و ایدئولوژیک بین بازیگران موجود در قفقاز وجود دارد که از ترتیبات امنیتی همکاری جویانه و مشارکتی جلوگیری می‌کند. وجود نظام‌های سیاسی متفاوت مبتنی بر ایدئولوژیهای متعارض، دومین مانع شکل‌گیری نظام امنیتی همکاری جویانه است. سومین عامل، اختلافات و رقابت بازیگران منطقه‌ای با قدرتهای فرامنطقه‌ای مداخله‌گر در این منطقه است. چهارم، عدم توازن و تقارن



بین کشورهای منطقه قفقاز به معنای توزیع نابرابر قدرت بین آنها، مانع دیگری است که امنیت همکاری جویانه را دشوار می‌سازد. حس بی اعتمادی و عدم اطمینان کشورهای منطقه به یکدیگر به عنوان مهمترین پیش شرط یک نظام امنیت همکاری جویانه پنجمین مانع به شمار می‌آید و ششم، رقابت بازیگران فرامنطقه‌ای و قدرتهای بزرگ بر سر منابع و انتقال انرژی، وابستگی امنیتی منطقه به قدرتهای فرامنطقه‌ای، بلوک بندی‌های متعارض قدرت و اتحادها و ائتلافها نظامی متقابل و متضاد، کنار گذاشتن بعضی از بازیگران منطقه‌ای، از جمله ایران، از ترتیبات و ساختارهای امنیتی و نظامی شدن منطقه و مسابقه تسلیحاتی بین آذربایجان و ارمنستان، موانع دیگری هستند که شکل گیری نظام امنیت همکاری جویانه در قفقاز را بسیار سخت و مشکل می‌سازند، از این رو، می‌توان ادعا کرد که همانگونه که ایجاد و استقرار ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بدون مشارکت بازیگران منطقه‌ای امکانپذیر نیست، شکل گیری یک چنین نظم امنیتی بدون مساعدت بازیگران فرامنطقه‌ای نیز غیرممکن است. لذا، برقراری صلح و امنیت در قفقاز مستلزم تشریک مساعی، مشارکت و مساعدت کلیه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ذریبط بر مبنای منافع مشترک و احترام متقابل می‌باشد. ایران نیز باید در این روند در کنار کشور مسلمان آذربایجان که با هم دارای مشترکات فرهنگی، دینی، زبانی، تاریخی و ... هستند قرار گیرد و با حفظ رویکرد صلح طلبانه مانع از زورگویی برخی کشورهای منطقه (ارمنستان) با اتکا به نیروهای خارج منطقه‌ای (فرانسه و آمریکا) گردد و حتی اجازه ورود سلاح‌های جدید از کشورهای فرامنطقه‌ای (هندوستان) به کشورهای در حال نزاع (ارمنستان) گردد چرا که این روند منجر به بدبینی در بین همسایگان (آذربایجان و ترکیه و اسرائیل) شده و خود این امر منجر به ایجاد چند بلوکی در منطقه و دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی شده و منجر به رشد و توسعه تهدیدات خواهد شد. کشور جمهوری اسلامی ایران باید در زمینه سیاستگذاری امنیتی خود در منطقه قفقاز جنوبی با رویکرد آذربایجان، باید در قدم اول مناسبات تاریخی، فرهنگی، زبانی، مذهبی و ... را مدنظر قرار داده و در راستای توسعه امنیت در منطقه که منجر به تقویت امنیت خود ایران نیز می‌شود، از رفتار دوسویه در قبال همسایگان پرهیز نموده و با دید اهمیت و احترام به همسایگان بخصوص آذربایجان نگرسته و از این کشور حمایت‌های لازم را بنماید تا این کشورها از وارد نمودن قدرتهای فرامنطقه‌ای به قفقاز جنوبی پرهیز نمایند و با رفتاری یکسان در قبال هر دو همسایه (آذربایجان و ارمنستان) همیشه نقش میانجی را داشته و مانع از جنگ در منطقه شوند و با ایجاد صلح باعث رونق منطقه و مناسبات بین کشورها شود. پژوهش حاضر در زمینه اجرایی با محدودیت‌های زیر رو به رو بود: در تعمیم نتیجه حاصله به سایر



موضوعها و کشورهای همسایه و مناطق همجوار کشور؛ با توجه به اینکه موقعیت مورد بررسی در پژوهش حاضر منطقه قفقاز جنوبی و جمهوری آذربایجان بود بودند، محدودیت وجود دارد. عدم همکاری و یا همکاری بسیار سخت و طاقت فرسای محققین و متخصصین امر و گاهاً عدم پاسخگویی صحیح و بدون حوصله و بدون علم به سؤالات پژوهش از طرف محققین و متخصصین باعث محدودیت در روند کاری و پژوهش گردید. در نهایت با توجه به نتایج حاصل پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند: با توجه به وضعیت استراتژیک منطقه، پیشنهاد می‌گردد جمهوری اسلامی ایران تمام ظرفیتهای ارتباطی خود با جمهوری آذربایجان را بررسی و از تمام ظرفیتهای برای گسترش روابط بهره‌بردارد. با توجه به اشتراکات دینی، زبانی و قومی و فامیلی بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، پیشنهاد می‌گردد از این سرمایه عظیم جهت سرمایه‌گذاری و روابط گردشگری و توریسم و ... در راستای بهبود وضعیت فی مابین دو کشور استفاده گردد.

## سیاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه دکترای نویسنده اول بوده و تمامی نویسندگان در آماده‌سازی مقاله به یک اندازه سهم می‌باشند و هیچ تعارض منافی بین نویسندگان وجود نداشت. نویسندگان این مقاله از تمامی کسانی که در اجرای پژوهش حاضر با آنها همکاری داشتند، تشکر و سپاسگزاری می‌کنند.

## منابع

- الماسی، مصطفی. (۱۴۰۱). سیاست‌های ایران در قبال بحران قفقاز جنوبی. مطالعات سیاست بین‌الملل، ۲ (۳): ۱۰۷-۱۳۰.
- الهی نیا، میلاد و محمدی، محمدشاه. (۱۴۰۱). پیامدهای امنیتی بحران قره‌باغ بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، دانش‌نامه علوم سیاسی، ۳(۶): ۲۶-۴۷.
- ابراهیمی، نبی‌الله و اصولی، قاسم. (۱۳۹۵). چگونگی کاربری مولفه‌های امنیتی در قفقاز جنوبی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱(۹۰): ۱-۳۸.
- اصولی اودلو، قاسم. (۱۴۰۲). تقابل و نظم؛ سیاست امنیتی آمریکا و روسیه در قفقاز جنوبی. کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- بزرگمهری، مجید و طباطبایی، سیدمهدی. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۱(۲): ۱۰۹-۱۵۰.



تیشه یار، ماندانا و بهرامی، سمیه. (۱۳۹۷). سیاست خارجی عمل‌گرایانه ایران در قفقاز جنوبی در فضای پابرجام. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۱(۱): ۲۳-۳۸.

جعفری نیا، عباس، کاظم پور، ذکریا و مددی، سعید. (۱۴۰۲). ترتیبات امنیتی ناظر بر قفقاز جنوبی (فرصت‌ها و چالش‌های آینده). آینده‌پژوهی دفاعی، ۸(۲۸): ۵۷-۸۹.

جلیلودن، محسن و قربانی، فاطمه. (۱۳۹۳). تأثیرات حضور اسرائیل در آسیای میانه و قفقاز بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۶(۲۲): ۱-۲۴.

جوهری، مهدی، نیلفروشان، عباس و نقی‌زاده، حمید. (۱۴۰۱). سیاست‌گذاری دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با افراط‌گرایی اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در مقطع زمانی پیش رو (سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰). فصلنامه محیط راهبردی، ۶(۱): ۱۳۶-۱۶۲.

حسین پور، زهرا. (۱۳۹۹). واکاوی عوامل تأثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (ابعاد و رویکردها). مطالعات منافع ملی، ۲۲: ۹۱-۱۱۲.

حسینی تقی‌آباد، سید مهدی و عزیززاده، شیوا. (۱۳۹۸). دیپلماسی عمومی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۰(۴): ۱-۲۴.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۶(۱۷): ۲۰۸-۲۳۹.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا، مجموعه مقالات کنفرانس ملی سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

راه‌نجات، میترا و کبیری، حسن. (۱۳۹۷). واکاوی عوامل اقتصادی-امنیتی و آگرایی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۲۵): ۹۵-۱۳۳.

رجبی، محمد. (۱۴۰۱). راهبرد و الگوی رفتاری جمهوری آذربایجان در برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۱): ۵۳-۷۵.

رشیدی، احمد. (۱۴۰۲). کریدور میانی و منافع ایران در قفقاز جنوبی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۹(۱۲۱): ۲۷-۵۴.

عباسی، مجید و موسوی، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۲). روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶(۲): ۶۱-۸۰.

فلاح‌پیشه، حشمت‌اله، شربت‌ی، وحید و مظفری، محمدمهدی. (۱۳۹۴). سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴(۱۲): ۳۷-۶۰.

قربانی، مهدی و رئیس‌نژاد، آرش. (۱۴۰۲). سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ: عوامل و رویکرد. سیاست جهانی، ۱۲(۱): ۲۳۴-۱۹۹.

کلانتری، فتح‌الله و کاویانی فر، پیمان. (۱۴۰۰). پوشش‌های تهدیدزای منطقه قفقاز جنوبی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، ۴(۵۲): ۱۸۵-۲۰۶.



کولایی، الهه و جوکار، علی اکبر. (۱۳۹۹). نقش تحولات روابط روسیه با غرب (اروپا و آمریکا) در همکاری اقتصادی ایران با کشورهای قفقاز جنوبی (۲۰۱۹-۲۰۱۴). فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۶(۱۱۲): ۹۳-۱۱۶.

کولایی، الهه و علی زاده، شیوا. (۱۳۹۶). دیپلماسی علمی ایران در قفقاز جنوبی مطالعه‌ی موردی: جمهوری آذربایجان. دو فصلنامه سیاست و روابط بین الملل، ۱۱(۱): ۹-۳۱.

مجتهدزاده، پیروز، حسین پور پویان، رضا و کریمی پور، یدالله. (۱۳۸۷). تحلیل و بررسی همپوشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۲(۲): ۲۵۵-۲۱۳.

محبوبی، قربانعلی، موسوی، سیدمحمدرضا و عزیز موسوی، سیدعلیرضا. (۱۴۰۰). روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۳(۵۱): ۱۵۹-۱۷۹.

موسوی شهیدی، سیدههدی و احمدی کروج، سیدعباس. (۱۳۹۸). زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان و ارائه مدل پیشنهادی. فصلنامه روابط خارجی، ۱۱(۲): ۶۹-۱۰۲.

نجفی سیار، رحمان و ابراهیمی، حامد. (۱۴۰۰). آثار و پیامدهای توافق‌نامه آتش‌بس بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۳): ۴۹۹-۵۳۲.

هاشمی، مصطفی، قربانی نژاد، ریباز، یزدان پناه درو، کیومرث و نامی، محمدحسن. (۱۴۰۰). تأثیر سیاست همسایگی جمهوری فدراسیون روسیه بر رویکرد منطقه‌گرایی ایران در قفقاز. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳(۳): ۹۴۵-۹۵۵.

وثوقی، سعید و رضایی، مسعود. (۱۳۹۴). نگاهی ایرانی به فهم موانع و ناکامی در روابط تهران - باکو. سیاست جهانی، ۴(۴): ۲۰۲-۱۶۵.

Azizi, H. R. & Isachenko, D. (2023). Turkey-Iran Rivalry in the Changing Geopolitics of the South Caucasus. SWP Comment, 49: 1-6.

Kızılyurt, Ö. (2023). The formative years of Iran's 'jihadi field diplomacy' in Azerbaijan. Politics, Religion & Ideology, 24(3): 398-425.

Shikhaliyev, E. (2023). Iran's Armenia and Azerbaijan policy. Journal of general Turkish history Research, 3: 329-340.

Zasztowt, K. (2012). Iran, Turkey and Azerbaijan: Heading Towards a Regional Crisis? Policy paper, 35: 1-9.